

مجله حقوقی، نشریه دفتر خدمات حقوقی بین‌المللی جمهوری اسلامی ایران
شماره بیست و پنجم، ۱۳۷۹، صص ۲۵۴ - ۲۲۳

چارچوب اجرایی موافقتنامه مربوط به اجرای کنوانسیون ۱۹۸۲ سازمان ملل درباره حقوق دریاها

آنیک دو مارفی - مانتانو

Annick de Marffy - Mantuano*

مترجم: دکتر سید فضل‌الله موسوی**

مقدمه مترجم

مقاله‌ای که در پی خواهد آمد، درخصوص چارچوب اجرایی موافقتنامه مربوط به اجرای کنوانسیون ۱۹۸۲ حقوق دریاهاست. وجود مفهوم «میراث مشترک بشریت» که در فصل یازدهم کنوانسیون انعکاس یافت، سبب گردید که کشورهای صنعتی و پیشرفته غربی با آن به مخالفت برخیزند و لذا بعضاً یا آن را امضا نکردند و یا برخی امضا نموده ولی تصویب نکردند. به هر حال نوع بینش آنها نسبت به کنوانسیون و عملکرد جداگانه آنها درخصوص بهره‌برداری از منابع اعماق دریاها که

*. مسؤول ارشد امور حقوق دریاها‌ی سازمان ملل متحد. نظرات مطروحه در این مقاله صرفاً دیدگاه نویسنده است و ضرورتاً منعکس کننده دیدگاه سازمان ملل نیست.
**. دانشیار دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران.

بیشتر مبتنی بر کنوانسیونهای ۱۹۵۸ ژنو بود یکی از زمینه‌های مهمی بود که باعث گردید تصویب و لازم‌الاجرا شدن کنوانسیون حدود ۱۲ سال به تعویق افتد. از سوی دیگر، با افزایش تعداد کشورهای متعاقد غیرصنعتی، به طوری که در ژوئیه ۱۹۹۳ به ۵۵ عضو رسیدند و در ۱۶ نوامبر ۱۹۹۳، شصت‌مین کشور، کنوانسیون ۱۹۸۲ حقوق دریاها را تصویب نمود،^۱ زمینه برای لازم‌الاجرا شدن کنوانسیون فراهم گردید. روشن بود که فصل یازدهم کنوانسیون نمی‌توانست آن طوری که باید منافع گسترده کشورهای صنعتی را در زمینه بستر اعماق دریاها تأمین کند. بنابراین، کشورهای اخیر به تلاش‌های بین‌المللی خود برای یافتن راه‌حلی خاص شدت بخشیدند. به‌رحال با انجام شیوه‌ای خاص، یعنی تصویب قطعنامه مجمع عمومی که یک موافقتنامه اجرایی ضمیمه آن بود و به‌عنوان جزئی از کنوانسیون محسوب می‌گردید، زمینه افزایش آهنگ تصویب کنوانسیون توسط برخی کشورهای خاص (صنعتی) فراهم گردید. در واقع محتوای این موافقتنامه به گونه‌ای تغییر مقررات فصل یازدهم را در جهت منافع کشورهای صنعتی و پیشرفته غربی به‌همراه داشت. با اندک تأملی به تاریخ تصویب یا الحاق برخی از کشورهای ذینفع از این حیث، به قطعیت فرض مزبور واقف می‌شویم.

به نظر می‌رسد، لازم بود کشورهای پیشرفته غربی برای این که بتوانند منافع خود را حفظ کرده و در ضمن اعمال خود را در چارچوب مقررات بین‌المللی^۲ درست جلوه دهند، مشکل موجود را به‌صورتی ویژه و در عین حال منطقی حل نمایند. بدین لحاظ بود که قطعنامه مورخ ۲۸ ژوئیه ۱۹۹۴ مجمع عمومی و موافقتنامه منضم به آن تصویب گردید.^۳ در قطعنامه مجمع عمومی و نیز موافقتنامه اجرایی ضمیمه آن

۱. طبق ماده ۳۰۸ کنوانسیون ۱۹۸۲ حقوق دریاها، دوازده ماه پس از تصویب شصت‌مین کشور، کنوانسیون لازم‌الاجرا می‌شود.

۲. در اینجا منظور کنوانسیون ۱۹۸۲ حقوق دریاهاست که در آن تاریخ توسط بسیاری از کشورها امضا گردیده بود.

۳. GA Res. 48/263 (July 28, 1994), 33 ILM 1309 (1994).

ذکر شده است: «با ابتکار دبیرکل سازمان ملل در سال ۱۹۹۰، تلاشهایی از جانب وی شروع شد که هدفش تشویق مذاکره به منظور حصول مشارکت جهانی درخصوص کنوانسیون و رایزنی‌های غیررسمی ایشان بین دول ذی‌ربط بود». لازم به توضیح است هرچند که در ظاهر، حل مسأله به تلاشها و مذاکرات غیررسمی دبیرکل نسبت داده شده اما، قطعاً نقش پشت صحنه کشورهای غربی که زمینه حل موضوع را از طریق قطعنامه و نیز موافقتنامه منضم به آن فراهم آوردند، نمی‌توان نادیده گرفت (کاری که اصلاً در ارتباط با تصویب یک کنوانسیون سابقه نداشت). با چنین کاری فصل مورد اختلاف یعنی فصل یازدهم به گونه‌ای تغییر یافت که منافع کشورهای غربی و پیشرفته درزمینه اکتشاف و بهره‌برداری از ذخایر بستر اعماق دریاها و کف اقیانوس‌ها و زیر بستر آنها تأمین گردید. البته برای انجام چنین تحولی، در کنار تلاشهای دبیرکل و کشورهای توسعه یافته می‌توان به زمینه‌های زیر نیز اشاره کرد:

تغییرات گسترده در نقشه سیاسی جهان که در نتیجه فروپاشی شوروی سابق صورت گرفت و اثرات گسترده سیاسی، نظامی و اقتصادی همراه آن، وضعیت مصیبت‌بار کشورهای درحال توسعه و عدم توانایی ایستادگی آنها در برابر کشورهای قدرتمند، تغییر عمده و خاص شرایط اقتصادی نسبت به سال ۱۹۸۲ و تمایل به قبول بازارهای آزاد، افزایش تعداد کشورهای متعهد کنوانسیون در بین کشورهای غیرصنعتی و سرانجام ایجاد نظام خاصی که در قطعنامه دوم کنفرانس درارتباط با حقوق سرمایه‌گذاران پیشگام ثبت شده، بوجود آمده بود.

درنهایت لازم به ذکر است، در موافقتنامه ۱۹۹۴ که شامل یک مقدمه، ۱۰ ماده و یک ضمیمه است، تغییراتی درخصوص فصل یازدهم کنوانسیون ۱۹۸۲ درباره حقوق دریاها مطرح شده که در این مقاله به شکل خاصی توضیح داده می‌شود. این موافقتنامه جزء لاینفک کنوانسیون ۱۹۸۲ است و درصورت مغایرت با مقررات کنوانسیون، مقررات موافقتنامه حاکم و معتبر خواهد بود. این تغییرات ازجمله

در زمینه هزینه‌های دول عضو، کارگزار اقتصادی، نظام تصمیم‌گیری، کنفرانس تجدیدنظر، انتقال فن‌آوری، خط‌مشی تولید، کمک اقتصادی، شرایط مالی قراردادها و کمیته مالی می‌باشد که چگونگی آن در بخش ضمیمه موافقتنامه آمده است. مفاد موافقتنامه بلحاظ ماهوی در این مقاله مورد بحث و بررسی قرار نگرفته و لازم است طی کار تحقیقی دیگری به‌طور مبسوط مورد بررسی قرار گیرد. مقاله ترجمه شده که پیش از لازم‌الاجرا شدن موافقتنامه و بعد از لازم‌الاجرا شدن کنوانسیون به رشته تحریر درآمده، بیشتر به بررسی عوامل مختلف ایجاد چنین موافقتنامه‌ای، چارچوب اجرایی آن و چگونگی پیوستن کشورها به موافقتنامه و کنوانسیون و نیز کیفیت لازم‌الاجرا شدن آنها پرداخته است.

این نکته نیز قابل ذکر است که مقاله حاضر وضعیت التزام به کنوانسیون و موافقتنامه را تا سال ۱۹۹۵ مطرح کرده و لذا به خوانندگان محترم توصیه می‌شود تا برای دسترسی به آخرین اطلاعات مربوط به وضعیت امضا، تصویب، تأیید رسمی و الحاق کشورها، به بولتن حقوق دریاها یا سایت کامپیوتری سازمان ملل (www.UN.org) مراجعه فرمایند. براساس اطلاعات موجود تا تاریخ ۳۱ مه ۲۰۰۱، تعداد ۱۵۸ کشور یا نهاد، کنوانسیون را امضا کرده‌اند، تعداد ۱۳۵ کشور آن را تصویب یا تأیید رسمی کرده، به آن ملحق شده یا از طریق جانشینی تصویب کرده‌اند. تعداد ۷۹ کشور موافقتنامه مذکور را امضا کرده‌اند و ۹۹ کشور آن را تصویب، تأیید رسمی، امضای قطعی یا از طریق روش ساده به آن ملتزم شده‌اند.

و اینک متن مقاله*

۱۶ نوامبر ۱۹۹۴ نه تنها در تاریخ حقوق دریاها بلکه در تکامل و توسعه حقوق بین‌الملل به‌عنوان رخدادی جدید و مهم تلقی می‌گردد. در این تاریخ کنوانسیون ۱۹۸۲ سازمان ملل درباره حقوق دریاها (بعد از این «کنوانسیون» نامیده می‌شود) که گسترده‌ترین سندی است که تاکنون مورد مذاکره قرار گرفته، لازم‌الاجرا گردید.

این تاریخ همچنین به‌عنوان «لازم‌الاجرا شدن موقتی» موافقتنامه‌ای در مورد اجرای فصل یازدهم کنوانسیون ۱۰ دسامبر ۱۹۸۲ سازمان ملل متحد درباره حقوق دریاها (بعد از این «موافقتنامه» نامیده می‌شود) که در تاریخ ۲۸ ژوئیه ۱۹۹۴، از طریق قطعنامه مجمع عمومی سازمان ملل^۴ پذیرفته شد اهمیت داشته و راه را برای مشارکت گسترده جهانی در «کنوانسیون» باز می‌کند. چگونگی مذاکره در مورد این موافقتنامه و نیز محتوا و اثر حقوقی آن نسبت به «کنوانسیون»، چارچوبی را که برای ایجاد مقررات حقوق بین‌الملل تنظیم شده بود به گونه خاصی تغییر داد و بار دیگر حقوق دریاها به‌طور کلی در صف مقدم توسعه حقوق بین‌الملل قرار گرفت.

موافقتنامه حدود چهار سال از طریق مشورتهای غیررسمی^۵ که توسط دبیرکل سازمان ملل انجام گردید، مورد مذاکره قرار گرفت تا «عیوب و نواقص» پاره‌ای از مقررات فصل یازدهم کنوانسیون و ضمائم سه و چهار^۶

*. این مقاله از منبع زیر انتخاب و ترجمه شده است:

The American Journal of International Law, 1995, vol. 89, pp. 814-824.

4. GA Res. 48/263 (July 28, 1994), 33 ILM 1309 (1994).

5. See Jean - Pierre Levy, *Les Bons Offices du Secrétaire Général des Nations Unies en Faveur de l'universalité de La Convention Sur Le Droit de la Mer: La Préparation de l'Accord du 28 Juillet 1994*, 94 REVUE GÉNÉRALE DE DROIT INTERNATIONAL PUBLIC 871 (1994).

6. بیانیه‌ای را که توسط کشور بلژیک در زمان امضای کنوانسیون و نیز بیانیه‌های مشابهی را که توسط بیشتر کشورهای اروپایی از جمله جامعه اقتصادی اروپا صادر شد، ملاحظه کنید:

آن را که مربوط به نظام بستر دریا بود و مانع تصویب یا الحاق کشورهای عمده صنعتی به کنوانسیون شده بود برطرف نماید. منطقه‌ای که فاقد هرگونه استفاده اقتصادی قابل پیش‌بینی بود، کل کنوانسیون را که «ارائه دهنده تلاشی برای ایجاد وحدتی واقعی است» و توسط کشورها و استفاده‌کنندگان به‌عنوان «نمادی از همکاری بین‌المللی در روند انعقاد معاهدات»^۷ تلقی می‌شود؛ مدت بیش از یک دهه در بند نگهداشته بود.

متأسفانه، این سند جامع (کنوانسیون) به‌طور مکرر توسط رسانه‌های گروهی و ارباب جراید تنها به‌عنوان مقررات مربوط به بستر اعماق دریاها معرفی شده است. درحالی‌که، همانگونه که دبیرکل سازمان ملل متحد اشاره کرده، «کنوانسیون»، «مناطق مشخصی از حاکمیت و صلاحیت را نیز برای کشورهای ساحلی ملحوظ می‌دارد، حاوی مقرراتی برای دریاهای آزاد است، حقوق و تکالیفی برای دولت‌ها درارتباط با کشتیرانی وضع می‌کند و سرانجام مقرراتی برای حفاظت از محیط‌زیست دریایی و عملیات تحقیقات دریایی پیش‌بینی کرده است».^۸ تلاش برای مشارکت گسترده جهانی ضروری می‌نمود؛ این ضرورت نه‌تنها از حیث اجتناب از تکیه بر کنوانسیون قابل‌اعمال نسبت به گروه محدودی از کشورهای عضو که

STATUS OF THE UNITED NATIONS CONVENTION ON THE LAW OF THE SEA, UN SALES NO. E.85.V.5 (1985).

۷. بیانیه‌ای که توسط «برناردو زولتا» (Bernardo Zuleta)، معاون پیشین دبیرکل برای حقوق دریاها صادر شد ملاحظه کنید:

THE LAW OF THE SEA: OFFICIAL TEXT OF THE UNITED NATIONS CONVENTION ON THE LAW OF THE SEA WITH ANNEXES AND INDEX, AT XIX, UN SALES NO. E. 83.V.5 (1983).

۸. سخنانی را که توسط پطروس‌غالی، دبیرکل سازمان ملل در اجلاس افتتاحیه مقام بین‌المللی بستر دریا ایراد گردید، ملاحظه کنید:

UN Press Release No. SG/SM/5483, SEA/1451 (Nov. 16, 1994).

نماینده منافع عمده دریایی نبودند، بلکه همچنین برای جلوگیری از تضعیف مقرراتی که به عنوان حقوق عرفی بین‌المللی شناخته می‌شوند و معمولاً به طور کامل مورد احترام مقررات داخلی کشورها نیستند، لازم می‌نمود. با مندرج شدن حقوق مربوط به دریاها در کنوانسیون مکتوب، دولت‌ها دیگر مجبور نخواهند بود که درخصوص بی‌نظمی‌ها و ابهامات قواعد عرفی مناقشه کنند.

با بررسی و تحقیق کمیته بستر دریا برای بهره‌برداری‌های صلح‌جویانه فراسوی قلمرو ملی در دهه ۶۰، تجدیدنظر در حقوق دریاها شروع گردید.^۹ این امر به نوبه خود به برگزاری سومین کنفرانس سازمان ملل در مورد حقوق دریاها (که در این مقاله «کنفرانس» نامیده می‌شود) منجر شد. در سال ۱۹۹۰ هنگامی که ضرورت تحقیق درباره یافتن راه‌حلی برای اعمال [مقررات] درخصوص این منطقه از بستر اعماق و کف اقیانوس‌ها مجدداً مطرح گردید، دور جدیدی از مذاکرات آغاز شد. عوامل متعددی محرک این شور و مشورت بودند که در بادی امر به عنوان چارچوب بحث‌های اولیه و سپس به لحاظ مذاکره در مورد [ایجاد] «موافقتنامه» ایفای نقش کردند. از جمله این عوامل می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

۱- تغییرات گسترده در نقشه سیاسی [جهان] که به دنبال فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی صورت گرفت، اثرات سیاسی، نظامی و اقتصادی گسترده‌ای به همراه داشت. این وضعیت جدید محرک افکار جدیدی درباره یافتن راهی برای مقابله با مشکلات خاصی درخصوص امور دریاها، بویژه

9. See Annick de Marffy, *The Pardo Declaration and the Six Years of the Sea-Bed Committee*, IN A HAND BOOK ON THE NEW LAW OF THE SEA 141 (René-Jean Dupuy & Daniel Vignes eds., 1991).

جنبه‌های نظامی و استراتژیک بود که با پایان یافتن جنگ سرد مقدراری از اهمیت خود را ازدست داده بود.

۲- بسیاری از کشورهای درحال توسعه که خویش را در وضعیت نامطلوب و مصیبت‌بار می‌دیدند، زمینه ایستادگی در برابر کشورهای قدرتمندتر را ازدست داده بودند. کشورهای موسوم به گروه ۷۷ که از طریق روند استعمارزدایی سر بلند کرده و به‌عنوان نیروی مهم بازدارنده در سالهای بعد از استقلال مطرح بودند، از این‌که بتوانند در قالب یک گروه، هرگونه نفوذ مهمی را اعمال کنند، ناتوان بودند. در نتیجه، تغییر فصل یازده و ضمایم مربوط به آن میسر گردیده بود.

۳- عوامل و شرایط اقتصادی، از زمان مذاکره درمورد کنوانسیون به‌گونه‌ای خاص تغییر کرده بود. بویژه درمیان کشورهای توسعه‌یافته و در حال توسعه تمایل به سوی قبول بازارهای آزاد به‌عنوان کلیدی برای موفقیت‌های اقتصادی در حال شدت یافتن بود. مضافاً این‌که مدت زمان ده سال کافی بود تا نشان دهد که فرضیه‌های اقتصادی بر مبنای بسیاری از مقررات فصل یازده کنوانسیون، نادرست بوده است. روشن شدن چنین مطلبی که پیشتر در اواخر دهه ۸۰ به‌وقوع پیوسته بود با تغییرات مهم سیاسی و اقتصادی در دهه ۹۰، آشکارتر گردید.

۴- افزایش تعداد کشورهای غیرصنعتی متعهد، از ۴۵ عضو در سال ۱۹۹۰ به ۵۱ عضو در دسامبر ۱۹۹۱ و ۵۵ عضو در ژوئیه ۱۹۹۳ (به‌جز ایسلند و یوگسلاوی سابق)، لازم‌الاجرا شدن کنوانسیون را یک قدم نزدیکتر کرده بود. این قضیه نه‌تنها باعث نگرانی کشورهای توسعه‌یافته گردید بلکه نگرانی کشورهای درحال توسعه‌ای را که به امید دستیابی سریع به نتایج بهره‌برداری از بستر اعماق دریا به کنوانسیون متعهد شده بودند نیز

برانگیخت. چرا که آنها آماده پرداخت هزینه‌های مؤسسات ایجاد شده به‌موجب کنوانسیون نبودند.^{۱۰}

۵- نظام انتقالی در قطعنامه دوم کنفرانس ایجاد گردید که به حقوق سرمایه‌گذاران پیشگام ثبت شده برای اکتشاف بستر اعماق دریا تحت نظارت کمیسیون مقدماتی برای مقام بین‌المللی بستر اعماق دریا و نیز دیوان بین‌المللی حقوق دریاها مربوط می‌شد. اگرچه این قضیه به شیوه‌ای عملی پیش رفته و حتی در برخی موارد خلاف مقررات حقوقی بوده،^{۱۱} اما این نظام سبب تقویت و تحقق اهداف «کنوانسیون» گشته است، بویژه از لحاظ شرکت ۶ کشور در کمیسیون مقدماتی (چین، هند، فرانسه، ژاپن، کره و فدراسیون روسیه) و گروهی از کشورها (بلغارستان، کوبا، جمهوری فدرال چک و اسلواکی، لهستان و فدراسیون روسیه) که نمایندگی عمده قدرتهای دریایی و نیمی از جمعیت جهان را تشکیل می‌دادند.

بنابراین، برای انجام روندی که حاصل آن از میان برداشتن کلیه موانع و در نتیجه حفظ مقررات دیگر «کنوانسیون» بود، مرحله‌ای [جدید] آغاز گردید تا توازن معقولی بین منافع ساحلی و دریایی (دریای آزاد) ایجاد نماید. حتی قبل از لازم‌الاجرا شدن کنوانسیون، این توازن، مسأله سازگاری و تطابق با وسعت و محدوده اعمال صلاحیت قضایی و حاکمیت ملی را

10. Remarks of Ambassador José Luis Jesús of Cape Verde, President of the Preparatory Commission, at the Qatar International Law Conference, 1994, at 29 (transcript on file with author).

۱۱. در خلال ۱۱ سال کار کمیسیون مقدماتی تفاهم‌نامه‌هایی مورد قبول واقع گردید تا راه ایجاد یک نظام فراملی برای بستر دریا را تحت قطعنامه دوم کنفرانس هموار سازد. ملاحظه کنید:

UNITED NATIONS, LAW OF THE SEA BULLETIN, Special Issue No. III, Sept. 1991 [hereinafter LOS BULL].

بر مبنای آن مقررات که البته بیشتر در جهت منافع جامعه بین‌المللی بود، به‌طور قابل ملاحظه‌ای ترغیب کرده بود.

یک عامل و محرک سیاسی ضروری بود؛ تنها ساز و کاری که بایستی اعمال می‌شد تا ایالات متحده امریکا را - که نمی‌توانست چارچوب کمیسیون مقدماتی را که هرگز در مذاکراتش شرکت نکرده بود قبول کند - به همکاری و مساعدت جلب نماید. به نظر رسید استفاده از مساعی جمیله دبیر کل در چارچوب مشورت‌های غیررسمی، مناسب‌ترین ابزار برای شرکت ایالات متحده باشد.

اولین اقدام در مذاکرات مزبور که در ژوئیه ۱۹۹۰ آغاز گردید، شناسایی موضوع‌های مهم و کلیدی مطرح شده توسط نماینده انگلستان بود.^{۱۲} این موضوع‌ها را می‌توان به دو دسته تقسیم کرد:

اول آنهایی که ماهیت اقتصادی داشتند، نظیر محدودیت تولید، صندوق جبران خسارت و مقررات مالی قرارداد. این امر نه چندان ضروری بود و نه چندان عاقلانه که با توجه به تأخیر قابل انتظار در بهره‌برداری از بستر اعماق دریا و عدم اطمینان از شرایط اقتصادی و فن‌آوری، پیش از اصول کلی مورد بررسی قرار گیرند. چنین مشکلی در مذاکرات مربوط به کنوانسیون غیرقابل اجتناب بود.

دومین دسته از موضوع‌ها مربوط به ماهیت سازمانی بود که به رهیافتی یکپارچه نیاز داشت، زیرا این موضوع‌ها جنبه‌های مشترک داشته و به یکدیگر مربوط بودند و شامل هزینه‌های پرداختی توسط طرفهای معاهده، روند تصمیم‌گیری، شرایط برگزاری کنفرانس مجدد و سرانجام ترکیب و

12. David Anderson, *Efforts to Ensure Universal Participation in the United Nations Convention on the Law of the Sea*, 42 INT'L & COMP. L. Q. 657(1993).

اختیارات کمیته مالی بود. این مسائل باید در ابتدا حل و فصل گشته و تکلیف آنها روشن می‌گردید. دولتها به دلیل ترس از ایجاد یک غول اداری، مایل بودند که سازمانی مطابق با کارهای محدود آن، ایجاد کنند. در اواخر سال ۱۹۹۱ هیأت‌های نمایندگی به میزان مشکلاتی که در پیش رو داشتند اعتراف کردند. اما ایالات متحده امریکا به همراه دیگر کشورهای صنعتی علاقمند بود موضوعهایی را مورد فیصله قرار دهد که در سندی معروف به «کتاب سبز»^{۱۳} در سال ۱۹۸۱ به کنفرانس ارائه داده بود. موضوعات مطروحه در آن زمان مانع از امضای کنوانسیون توسط امریکا گردیده بود.^{۱۴}

آقای پطروس غالی، دبیرکل سازمان ملل، در آغاز سال ۱۹۹۳ توسط هیأت‌های نمایندگی کشورهای درحال توسعه که معتقد بودند تعداد نمایندگان آنها در مشاوره‌ها «غیر هم‌سطح، نامساوی، و نامتوازن»^{۱۵} است تحت فشار قرار گرفت تا زمینه مشورتها را برای شرکت کنندگان بیشتری جهت دستیابی به اجماعی گسترده‌تر، فراهم نماید. در آن زمان، مشورتها نه تنها محتوی بلکه شکل راه‌حل نهایی را هم مدنظر قرار داد. راه‌حل مربوط در خلال اجلاس دوم تا ششم اوت ۱۹۹۳، یافت گردید و آن هنگامی بود که «متن موافقتنامه» که صفحه اول آن با تصویر یک

۱۳. گروهی از متخصصین در ژانویه ۱۹۹۴ توسط کمیته عمومی کمیسیون مقدماتی گروه آمدند و به این نتیجه نایل شدند که تا قبل از دهه ۲۰۱۰ - ۲۰۰۱ هیچ فرآورده تجاری تولید نخواهد شد. ملاحظه کنید: UN Doc. LOS/PCN/BUR/R.32 (1994).

14. See Bernard H. Oxman, *The 1994 Agreement and the Convention, in Law of the Sea Forum: The 1994 Agreement on Implementation of the Seabed Provisions of the Convention on the Law of the Sea*, 88 AJIL, 687 (1994).

15. Observations of Ambassador Lenox Ballah of Trinidad and Tobago, at the Qatar International Law Conference, *Supra* note 7, at 24.

کشتی تزیین شده و از این رو آن را «کشتی نامه» می نامیدند،^{۱۶} بین هیأت‌های نمایندگی توزیع گردید. در نتیجه روند کلی جهت پیمودن راه مذاکره هموار گردید.

متن «کشتی نامه»^{*} که [در واقع] چارچوب اجرایی یک موافقتنامه بود، بر مقررات خاصی از فصل یازدهم کنوانسیون تکیه داشت، و در حالی که دیگر مقررات و مواد را دست‌نخورده به حال خود وامی‌گذارد، اولین تلاش در جهت یک کاسه کردن مقررات در سندی واحد بود. پس از تجدیدنظری که در ماه‌های فوریه و آوریل ۱۹۹۴ انجام گرفت، توافق بر سر آخرین جرح و تعدیلهای در جریان دور نهایی مذاکرات به عمل آمد که بین ۳۱ ماه مه تا ۳ ژوئن ۱۹۹۴ برگزار گردید. در ۲۸ ژوئیه ۱۹۹۴، قطعنامه‌ای شامل «موافقتنامه»، در آغاز چهل و هشتمین اجلاس مجمع عمومی مورد قبول واقع شد.^{۱۷} نتیجه چنین مذاکره‌بی‌سابقه‌ای، ایجاد موافقتنامه‌ای غیر معمول بود که سه ویژگی داشت: اول این که قطعنامه‌ای توسط مجمع عمومی پذیرفته شد که وسیله‌ای برای پذیرش موافقتنامه اصلی بود. دوم چارچوب اجرایی که در متن موافقتنامه درج گردیده است و سوم مقرراتی ماهوی که در ضمیمه «موافقتنامه» جای داده شده است^{۱۸} (که در این مقاله مورد بحث قرار نمی‌گیرد).

۱۶. برای دیدن متن کشتی نامه (Boat Paper) ملاحظه کنید:

The annex to Gerard J. Mangone, *Negotiations on the 1982 LOSC Given Extra Urgency by the 60th Ratification*, 9 INT'L J. MARINE & COASTAL L. 57 (1994).

*. Boat Paper.

17. See LOS BULL., Special Issue No. IV, Nov. 1994, at 8-9.

18. برای تجزیه و تحلیل مختصر محتوای اساسی «ضمیمه موافقتنامه» ملاحظه کنید:

Moritaka Hayashi, UNCLOS Part XI Agreement, with Particular Reference to the Status of Registered Pioneer Investors,

موافقتنامه مذکور منعکس کننده مشکلات مربوط به یافتن راه‌حلی در زمان نسبتاً کوتاه، برای تکمیل کار پیچیده و غامض تغییر قسمتی از یک کنوانسیون در حکم قانون است که از این لحاظ مسبوق به سابقه‌ای نبود. این مشکلات به میزانی گسترده، ناشی از نفوذ بیش از حد سیاست در حقوق بین‌الملل است؛ نفوذ و تأثیری که بیش از همیشه در دنیایی که با سرعت در حال تغییر است، وجود دارد و خطر بی‌ثباتی و سست و شکننده کردن روابط میان ملتها را به بار می‌آورد.

برخی از اصول اساسی که [در این رابطه] می‌بایستی پذیرفته می‌شد عبارت بودند از: نخست، تاحد امکان تغییر در کنوانسیون به صورت جزئی انجام پذیرد. دوم، حفظ برخی از اصول که فصل یازده کنوانسیون بر آنها پایه‌گذاری شده است، به‌ویژه اصل میراث مشترک بشریت. سوم، برای دولتهایی که قبلاً نسبت به کنوانسیون ملتزم بوده‌اند، تسهیلاتی برای اعلام رضایتشان نسبت به التزام به موافقتنامه فراهم آورده شود.

چهار ویژگی اصلی، این موافقتنامه را متمایز می‌سازد:

۱- اثر حقوقی پذیرش قطعنامه‌ای که دربردارنده این موافقتنامه است؛

۲- آیین‌های اجرایی متنوعی ممکن است برای اظهار رضایت به التزام [نسبت به موافقتنامه] مورد استفاده قرار گیرد. این آیین‌ها [در واقع] برای پاسخگویی به تفاوت‌های موجود در قوانین اساسی [کشورها] طرح‌ریزی شده‌اند؛

مقاله‌ای که به کنفرانس بین‌المللی در خصوص سیاست معدنی بستر اعماق دریا ارائه گردید (که در تاریخ ۵ تا ۷ سپتامبر ۱۹۹۴ در سئول برگزار گردید) (این مقاله نزد نویسنده موجود است).

۳- آیینی ویژه برای لازم‌الاجرا گردیدن «موافقتنامه» که با شرایط لازم‌الاجرا شدن «کنوانسیون» تفاوت دارد؛ و
۴- سرانجام غیرمعمول‌ترین ویژگی، اجرای موقت «موافقتنامه» است.

۱- اثر حقوقی پذیرش «قطعنامه»

بسیاری از هیأت‌های نمایندگی نسبت به شیوه اجرایی پذیرش موافقتنامه و نیز چگونگی اعتبار آن - از طریق قطعنامه مجمع عمومی - که به متن موافقتنامه ویژگی قطعی بخشیده است، اعتراض کردند. ماده ۱۰ کنوانسیون حقوق معاهدات وین^{۱۹} مقرر می‌دارد که دولت‌های شرکت‌کننده در تنظیم یک موافقتنامه، در مورد شیوه اعتبار بخشیدن به آن، به هر صورتی که مایل هستند، آزاد می‌باشند. به هر حال [باید متذکر شد که] این موافقتنامه از طریق مذاکرات غیررسمی تنظیم شده بود. بسیاری از هیأت‌های نمایندگی چنین جلسه‌ای را به عنوان نشست نمایندگان برای اتخاذ تصمیم در مورد چگونگی اجرای کارهای مربوط به پذیرش و اعتبار بخشیدن به یک موافقتنامه تلقی نمی‌کردند. فقدان مبنایی برای نمایندگی با صلاحیت اتخاذ تصمیم در خصوص مشورتهای انجام شده، مناسب بودن مجمع عمومی برای انجام این دو امر (پذیرش موافقتنامه و اعتبار بخشیدن به آن)، را با شک و تردید روبرو ساخت، بویژه در مواردی که دولت‌ها مایل بودند علیه «قطعنامه» رأی مخالف دهند.^{۲۰} افزون بر این، در حالی که برخی دولت‌ها در پذیرش «موافقتنامه» شرکت نکردند یا نتوانستند شرکت کنند، چگونه متن

۱۹. مفتوح برای امضا از تاریخ ۲۳ ماه مه ۱۹۶۹، 1155 UNTS 331.

۲۰. هیچ دولتی علیه موافقتنامه، رأی نداد ولی ۷ دولت رأی ممتنع دادند که عبارت بودند از کلمبیا، نیکاراگوئه، پاناما، پرو، فدراسیون روسیه، تایلند و ونزوئلا.

موردنظر می‌تواند معتبر باشد؟ در واقع ۵۶ کشور در پذیرش قطعنامه شرکت نداشتند که از آنها ۲۱ کشور از طرفهای «کنوانسیون» بودند.^{۲۱} برخی دیگر از کشورها نیز مانند «واتیکان»،* «کری باتی» (کریباس)،** «نائورو»،*** «سویس»، «تونگا»**** و «تووالو»***** به این علت که عضو سازمان ملل نبودند یا جزء اعضای ناظر بودند، نمی‌توانستند در رأی‌گیری شرکت کنند. علاوه بر این، برخی نهادها که به موجب ماده ۳۰۵ استحقاق عضویت در «کنوانسیون» را داشتند، نظیر «جزایر کوک»،***** «نیوئه»***** و جامعه اروپا، به علت این که عضو [سازمان ملل] نبودند، نتوانستند [در رأی‌گیری] شرکت نمایند. اگرچه امضا به منظور اعتبار بخشیدن به موافقتنامه، مطرح گردید ولی، «موافقتنامه» با عمل مجمع عمومی و آثار حقوقی خاص همراه چنین پذیرشی، مورد قبول واقع شده بود.

از تاریخ پذیرش موافقتنامه در ۲۸ ژوئیه ۱۹۹۴ به موجب بند ۱ ماده ۴ آن، هرگونه اظهار رضایت دولتها مبنی بر التزام به «کنوانسیون» همچنین رضایت نسبت به التزام به «موافقتنامه» تلقی شده است. در زمان نگارش

21. See LOS BULL., Special Issue No. IV, Nov. 1994 at 7.

نماینده اسرائیل بنام «شابتای روزن» (Shabtai Rosenne) در بیانیه‌ای در هفتاد و هشتمین اجلاس مجمع عمومی، در ۶ دسامبر ۱۹۹۴ تحت شماره ۳۵ «حقوق دریاها» اعلام کرد: «نماینده اسرائیل بنا به دلایل خارج از اختیار (هنگامی که موافقتنامه مورد پذیرش واقع شد) در اجلاس مجمع عمومی سازمان ملل حاضر نبوده است». ملاحظه کنید: UN Doc. A/49/PV. 78 (1994).

*. Holy See.

** . Kiribati.

*** . Nauru.

**** . Tonga.

***** . Tuvalu.

***** . Cook Islands.

***** . Niue.

[این مقاله]، چهارده کشور که رضایت خود را مبنی بر التزام به «کنوانسیون» اظهار کرده بودند در همان زمان نیز به «موافقتنامه» ملتزم شدند. برخی از کشورها نظیر استرالیا، اتریش، یونان، هندوستان، ایتالیا و آلمان در همان زمانی که «موافقتنامه» را تصویب کردند به «کنوانسیون» ملحق شده یا آن را تصویب کردند. کشورهای دیگر نظیر بولیوی، موریس (موریس) * و سنگاپور که نسبت به پذیرش موافقتنامه اعلام رضایت کرده بودند، اما هرگز آن را امضا نکردند، به هنگامی که اسناد تصویب خود را نسبت به «کنوانسیون» تسلیم مقام امین کردند نسبت به «موافقتنامه» ملتزم شدند. در نتیجه، به موجب بند ۱ ماده ۴، بولیوی، موریس و سنگاپور با تصویب «کنوانسیون» به «موافقتنامه» نیز ملحق شدند. تصویب «کنوانسیون» توسط «لبنان» و «سیرالئون» نیز همین نتیجه را دربر داشت؛ هرچند که آنها هرگز رضایت خود را نه نسبت به پذیرش «قطعنامه» و نه امضای «موافقتنامه» اظهار نکرده بودند. «جزایر کوک» که «موافقتنامه» را امضا نکرده بود با تصویب «کنوانسیون» به «موافقتنامه» ملحق شد.

«کرواسی» و «جمهوری مقدونیه یوگسلاوی سابق» درگیر مسأله غامض جانشینی دولتها در مورد معاهدات بودند. اعمال قواعد عرفی حقوق بین الملل در ارتباط با جانشینی دولتها بگونه مضیق، جانشینی کرواسی و مقدونیه را نسبت به یوگسلاوی تنها در ارتباط با کنوانسیون اجازه می داد. به هر حال از تاریخ پذیرش «موافقتنامه» قصد مذاکره کنندگان به وضوح این بود که بین موافقتنامه و کنوانسیون ارتباط برقرار گردیده و اطمینان یابند که «موافقتنامه» از تاریخ لازم الاجرا شدن «کنوانسیون» دارای اثر حقوقی خواهد شد. اما به لحاظ پیچیدگی «موافقتنامه» و ارتباط آن با

*. Mauritius.

«کنوانسیون»، این مسأله که آیا دولتها از مفهوم تعهداتشان کاملاً آگاه‌اند یا نه، مشخص نبود. به آن میزانی که اسناد حقوقی بیشتر و بیشتر پیچیده می‌شوند، آیین‌هایی که به وسیله آنها دولتها رضایتشان را مبنی بر التزام اظهار می‌دارند نیز بایستی مجدداً مورد بررسی قرار گیرد تا اطمینان حاصل شود که دولتها برای درک افتراقهای جزئی و دقیق اسناد مربوط از آمادگی بیشتری برخوردار هستند.^{۲۲}

اثر غیرمستقیم دیگر پذیرش «موافقتنامه» - که احتمالاً ناشی از ضعف در تنظیم پیش‌نویس آن است - در ماده ۳ منعکس گردیده که به دوره مفتوح بودن موافقتنامه برای امضا می‌پردازد. این دوره، از زمان افتتاح «موافقتنامه» برای امضا - که رویه‌ای معمول در انعقاد معاهدات است - آغاز نمی‌شود بلکه، از زمان پذیرش [موافقتنامه] آغاز می‌گردد. به موجب ماده ۳، دبیر کل به عنوان امین «موافقتنامه» می‌بایست ۲۸ ژوئیه را به عنوان تاریخی که «موافقتنامه» منعقد شده ثبت نماید، نه ۲۹ ژوئیه که موافقتنامه برای امضا افتتاح شده است. این تغییر رویه بی‌سابقه در بین برخی از وزرای خارجه سردرگمی‌هایی را ایجاد نمود که هنوز به ۲۹ ژوئیه به عنوان تاریخ انعقاد «موافقتنامه» اشاره می‌کنند.

علاوه بر این، تاریخ پذیرش به عنوان نقطه‌ای برای شروع دوره دوازده ماهه‌ای به کار می‌رود که در خلال آن دولتهای عضو باید تصمیم بگیرند که هر آینه از شیوه ساده‌مندرج در ماده ۵ استفاده کنند.

۲۲. به لحاظ سرعت در تحولات حقوق دریاهای بسیاری از کشورها خصوصاً کشورهای در حال توسعه خود را چندان آماده پذیرش موضعی نیافتند که توسط سیاستمداران، حقوقدانان و دیپلماتهایشان تا حدودی به صورتی اجمالی تدوین شده بود. ملاحظه کنید مقاله ذیل که به کنفرانس حقوق بین‌الملل قطر ارائه گردید، صص ۸-۷ (به پاورقی شماره ۱۰ رجوع شود).

Jean-François Pulvenis, *New Problems Arising from the Entry into Force of the 1982 Convention on the Law of the Sea: Some Observations on the Situation of Developing Countries.*

و سرانجام مهمترین اثر پذیرش «قطعنامه» این است که به دولتها حق اجرای موقت «موافقتنامه» اعطا گردیده است، مگر این که آنها ترتیب دیگری مقرر دارند. این حق ایجاد گردید تا دولتهایی که هنوز به «کنوانسیون» ملتزم نشده‌اند، قادر باشند به عنوان اعضای موقت در [فعالیت] مقام بین‌المللی بستر اعماق دریا شرکت نموده و همزمان درخصوص تصویب «کنوانسیون» یا الحاق به آن اقدام کنند.

از لحاظ آثار حقوقی آتی قطعنامه، یک رأی‌گیری کتبی درخواست شد تا دولتهایی که به قطعنامه رأی مثبت داده و بعداً عضو موقت مقام بین‌المللی محسوب خواهند شد، مشخص گردند. در ۲۸ ژوئیه ۱۹۹۴، یکصد و بیست و یک (۱۲۱) دولت به قطعنامه رأی دادند. از این تعداد، ۴۳ دولت عضو «کنوانسیون» بودند که خود به خود به موجب ماده ۱۵۶ «کنوانسیون» عضو مقام بین‌المللی محسوب می‌شدند. ۷۵ دولت غیر عضو که رأی مثبت دادند، مشروط بر این که به صورت مکتوب به امین معاهده اطلاع نداده باشند که آنها «موافقتنامه» را به صورت موقت اجرا نخواهند کرد، واجد شرایط عضویت موقت در مقام بین‌المللی بودند. کشورهای بلغارستان، ایران، اردن، رومانی، عربستان سعودی و اسلونی تا تاریخ ۱۶ نوامبر ۱۹۹۴، یعنی مهلت تعیین شده در ماده ۷، [رسماً] عدم قبول خود را درخصوص اجرای موقت [موافقتنامه]، به مقام امین اطلاع داده بودند.

در تجدیدنظر موافقتنامه موسوم به کشتی‌نامه* در آوریل ۱۹۹۳، مسأله تصدیق اعتبار «موافقتنامه» از طریق پذیرش «قطعنامه» به کنار گذارده شد. در عوض عمل امضا به عنوان یکی از ابزار اظهار رضایت دولتها مبنی بر التزام معرفی گردید.

*. Boat Paper.

۲- شیوه‌های ابراز رضایت به التزام

بند ۳ ماده ۴، راههای مختلفی را جهت ابراز رضایت دولتها به التزام به «موافقتنامه» شرح می‌دهد. برای پاسخ به نیازهای مختلف دولتها در این خصوص، چهار شیوه به آنها پیشنهاد شده است: اظهار رضایت ممکن است با امضای قطعی، امضای منوط به تصویب، امضای منوط به روش ساده که به موجب ماده ۳۱۳ «کنوانسیون» مقرر شده و سرانجام از طریق الحاق انجام پذیرد.

به موجب روش اول - که در شق اول بند ۳ ماده ۴ مقرر گردیده است - دو کشور عضو به مقام امین اطلاع دادند که امضای آنها قطعی است. بدین معنی که آنها رضایت خود را نسبت به التزام به «موافقتنامه» اعلام می‌دارند. کشور «بلیز»^{*} که «موافقتنامه» را در ۲۱ اکتبر ۱۹۹۴ امضا کرد، یادداشتی را به امضای وزیر امور خارجه‌اش مبنی بر تأیید قطعی بودن امضا ارسال نمود. یادداشت «کنیا» [در این خصوص] که «موافقتنامه» را در ۲۹ ژوئیه امضا نمود، در ۸ نوامبر ۱۹۹۴ دریافت گردید.

معمول‌ترین شیوه التزام دولتها به یک معاهده، امضای منوط به تصویب است. تا ۲۸ ژوئیه ۱۹۹۵ که آخرین مهلت امضا بود ۷۹ کشور «موافقتنامه» را امضا کردند، که از آنها ۴۶ کشور امضای خود را به موجب شق دوم بند ۳ ماده ۴، منوط به تصویب کردند.^{۲۳}

کشور «سریلانکا» که عضو «کنوانسیون» بود در ۲۹ ژوئیه ۱۹۹۴، طی یادداشتی اعلام نمود که این کشور «موافقتنامه» را به موجب شق سوم بند ۳ ماده ۴، که اعمال روشی ساده است و در ماده ۵ مقرر گردیده، امضا

*. Belize.

۲۳. آخرین وضعیت موجود «موافقتنامه» در «بخش امور اقیانوسها و حقوق دریای سازمان ملل» (UN Division for Ocean Affairs and the Law of the Sea) موجود است.

می‌کند. در ۲۵ اکتبر، کشور «نیجریه» همان منظور را در «اختیار نامه‌ای» که امضای [قبلی] را تأیید می‌کرد، بیان داشت. این دو یادداشت مسأله تفسیری مهمی را مطرح می‌کند: ۱- آیا برای کشور «سریلانکا» و «نیجریه» به عنوان دولتهای عضو «کنوانسیون» ضرورت دارد که چنین یادداشتی را ارسال دارند؟ ۲- آیا قصد مذاکره کنندگان این نبوده که دولتهای عضو امضاکننده «موافقتنامه» را دوازده ماه پس از تاریخ پذیرش آن راضی به التزام به «موافقتنامه» تلقی کنند؟ به موجب «موافقتنامه» به نظر می‌رسد، اطلاعیه تنها هنگامی لازم است که دولتها مایل نباشند از روش ساده استفاده کنند. پانزده کشور عضو شامل برزیل، کامرون، کیپ‌ورد* (دماغه سبز)، قبرس، مصر، فیجی، اندونزی، مالت، میکرونزیا،** فیلیپین، سنگال، سودان، تانزانیا، تونس و اروگوئه چنین یادداشتی را به مقام امین ارسال کردند تا مشخص نمایند که امضای آنها بمنزله تصویب است.

به نظر می‌رسد چنین تفسیری با قصد مذاکره کنندگان درمورد تسهیل ابراز رضایت دولتهای عضو مبنی بر التزام به «موافقتنامه» بیشتر مطابقت دارد. شق سوم بند ۳ ماده ۴ برای این مقرر و تنظیم شده است تا آن دولتهایی را که برای آنها روش «ساده» در نظر گرفته شده است، مجزا نماید. افزون بر این، شق سوم مستلزم ارائه هیچگونه یادداشتی نیست. این شق مشمول «آیین مذکور در ماده ۵» است که به روشنی مقرر می‌دارد: دولتها راضی به التزام نسبت به «موافقتنامه» تلقی خواهند شد مگر این که قصد خلاف آن را اظهار نمایند. استفاده از یادداشت (اطلاع‌دادن) برای قصد مخالف بدین معنی است که، سکوت دولتها یکسال بعد از پذیرش

*. Cape Verde.

** Micronesia.

موافقتنامه یعنی ۲۸ ژوئیه ۱۹۹۵ باید به عنوان رضایت ضمنی نسبت به التزام به «موافقتنامه» تفسیر شود. دوره یکساله مذکور برای این مقرر شده بود تا دولت‌های مهلتی برای تأمل راجع به وضعیت خود در برابر «موافقتنامه‌ای» داشته باشند که به طور قابل ملاحظه‌ای [مفاد] «کنوانسیون» را که قبلاً نسبت به آن ملتزم بوده‌اند، تغییر خواهد داد. تفاسیر دیگر منجر به بی‌اثر نمودن ماده ۵ و مفهوم رضایت ضمنی مندرج در آن می‌گردد. برخی از دولت‌های عضو، «موافقتنامه» را زودتر امضا نکردند، زیرا می‌خواستند ملاحظه نمایند آیا کشورهای صنعتی که درخواست تجدید نظر در مورد فصل یازدهم کنوانسیون داشتند، تعهد خود را از حیث عضو شدن با حسن نیت انجام می‌دهند یا نه؟

روش الحاق که در شق چهارم بند ۳ ماده ۴ مقرر گردیده تنها بعد از انقضای زمان امضا اعمال می‌شود.

۳- به اجرا در آمدن «موافقتنامه»

مرحله تصویب با آلمان و استرالیا شروع شد که بعد از امضای «موافقتنامه» در ۲۹ ژوئیه، به موجب بند ۲ ماده ۴ در همان زمان که «کنوانسیون» را تصویب کرده یا به آن ملحق شدند، [موافقتنامه] را نیز تصویب نمودند. به هر حال «موافقتنامه» از لحاظ تعداد تصویب یا الحاق‌های مورد نیاز برای لازم‌الاجرا شدن آن با «کنوانسیون» تفاوت دارد. «موافقتنامه» همچنین شرایط اضافی دیگری را مقرر می‌دارد که مانع از لازم‌الاجرا شدن آن می‌گردد، مگر این که توسط کشورهای که منافع حیاتی آنها از آن تأثیر می‌پذیرد، مورد تصویب قرار گیرد.

ماده ۶ برای لازم‌الاجرا شدن «موافقتنامه» رضایت ۴۰ کشور را لازم می‌شمارد که از آن میان هفت کشور باید جزء آنهایی باشند که در شق اول بند ۱ قطعنامه شماره ۲ کنفرانس آمده و از این هفت کشور حداقل پنج کشور از کشورهای توسعه‌یافته باشند. قطعنامه شماره ۲، دولتهایی را که استحقاق سرمایه‌گذار پیشگام بودن را دارند، معرفی می‌کند. برخی از کشورها نظیر فرانسه، هند، ژاپن و فدراسیون روسیه که در بند فرعی ۱ از شق اول بند ۱ قطعنامه شماره ۲ نامشان آمده است، به‌عنوان سرمایه‌گذاران پیشگام ثبت‌نام می‌شوند. دیگر کشورها که در بند فرعی ۲ نامشان مندرج است، نظیر بلژیک، کانادا، آلمان، ایتالیا، هلند، انگلستان و ایالات متحده، گروه سرمایه‌گذاران بالقوه را تشکیل می‌دهند. آنها هم‌اکنون^{۲۴} ممکن است به‌موجب «موافقتنامه» - براساس قسمت اول بند ۶ ضمیمه «موافقتنامه» - که به‌صورت موقت لازم‌الاجرا است، قراردادهای مربوط به اکتشاف را منعقد نمایند. سرانجام، بند فرعی ۳ مربوط به کشورهای درحال توسعه است که برخی از آنها نظیر چین، کوبا، کره، مجاز شناخته شده‌اند تا تقاضای خود را مبنی بر ثبت‌نام به‌عنوان سرمایه‌گذاران پیشگام، به‌موجب شرایط «بیانیه مربوط به مورد اجرای قطعنامه شماره ۲» تقدیم نمایند.^{۲۵} بر مبنای همین بیانیه، حکومت‌های سوسیالیست کشورهای بلغارستان، کوبا، جمهوری فدرال چک و اسلواکی، لهستان و فدراسیون روسیه درخواستی برای ثبت «سازمان مشترک بین اقیانوسی» به‌عنوان سرمایه‌گذار پیشگام ارائه کردند. این درخواست در سال ۱۹۹۱ ارائه شد. بنابراین هفت کشور از چهارده

۲۴. لازم به ذکر است که کلمه «هم‌اکنون» اشاره به زمان نگارش مقاله دارد نه این زمان که خوانندگان محترم مقاله را مطالعه می‌فرمایند. در آن تاریخ موافقتنامه لازم‌الاجرا نشده بود ولی به‌صورت موقت لازم‌الاجرا بود - مترجم.

25. UN Doc. LOS/PCN/L. 41/Rev. 1 (1991), reprinted in LOS BULL., Special Issue No. III, Sept. 1991, at 236.

کشور صنعتی و دو کشور از چهار کشور در حال توسعه که در بالا ذکر شد باید مشمول چهل کشوری باشند که برای لازم‌الاجرا شدن «موافقتنامه» ضروری است تا شرایط لازم که در ماده ۶ بیان گردیده است، تحقق یابد. به هر حال باید در نظر داشت که اشاره به «حداقل پنج کشور توسعه یافته» بدین معنی است که حداقل پنج کشور صنعتی - نه محدود به پنج کشور - باید وجود داشته باشند تا شرط هفت کشور تأمین گردد.

سی و هشت کشور تا ۲۹ ژوئیه ۱۹۹۵ رضایت خود را مبنی بر التزام به موافقتنامه اظهار داشتند. کرواسی و مقدونیه جمهوری یوگسلاوی سابق که «موافقتنامه» را امضا نکرده و یا نسبت به پذیرش «قطعنامه» ابراز رضایت نکرده بودند به موجب بند ۱ ماده ۴، در نتیجه جانشینی‌شان در ارتباط با «کنوانسیون» ملتزم به «موافقتنامه» گردیدند. کشورهای بولیوی، لبنان، موریس،* سیرالئون و سنگاپور در نتیجه تصویب «کنوانسیون» به «موافقتنامه» ملتزم گردیدند. کشور آلمان «موافقتنامه» را تصویب و همزمان به «کنوانسیون» ملحق گردید و استرالیا، اتریش، یونان، هند و ایتالیا هر دو سند را تصویب کردند. جزایر کوک** همان گونه که در بالا ذکر شد «موافقتنامه» را امضا نکرد لکن، با تصویب «کنوانسیون» به آن ملحق شد. کشورهای بلیز*** و کنیا به عنوان اعضای «کنوانسیون» از روش امضای قطعی مندرج در شق اول بند ۳ ماده ۴ استفاده کردند. قبرس، فیجی، سنگال، سیشل،**** اسلوانیا و پاراگوئه که قبل از پذیرش «موافقتنامه» از اعضای «کنوانسیون» بودند، تصویب «موافقتنامه» را انتخاب نموده و از

*. Mauritius.

** . Cook Islands.

***. Belize.

****. Seychelles.

روش ساده مندرج در ماده ۵ استفاده نکردند. در ۲۹ ژوئیه ۱۹۹۵، یعنی دوازده ماه پس از تاریخ پذیرش «موافقتنامه»، شانزده کشور عضو کنوانسیون که «موافقتنامه» را امضا کرده بودند ترجیح دادند که برطبق ماده ۵ به آن ملتزم شوند. این کشورها عبارت بودند از: باهاما، باربادوس، ساحل عاج،* گرانادا، گینه، ایسلند، جامائیکا، نامیبیا، نجریه، توگو، ترینیداد و توباگو، سریلانکا، اوگاندا، یوگسلاوی، زامبیا و زیمبابوه. در هر صورت شرط دیگری که در ماده ۶ مقرر گردیده، هنوز تحقق نیافته است. تا تاریخ نگارش این مقاله، تنها آلمان، هند و ایتالیا، از بین هفت کشوری که برای لازم‌الاجرا شدن موافقتنامه لازم است رضایت خود را مبنی بر التزام به آن ابراز دارند، چنین کرده‌اند.

۴- اصلی‌ترین ویژگی: اجرای موقت

[موضوع] اجرای موقت که در ماده ۲۵ کنوانسیون وین درباره حقوق معاهدات^{۲۶} به آن اشاره شده، به دلایل سیاسی جهت تسهیل مشارکت گسترده در «موافقتنامه» مطرح گردیده است. برای یک «معاهده» که به تنظیم نظام بستر اعماق دریا^{۲۷} می‌پردازد مفهوم جدیدی وجود نداشت زیرا، مطالب مربوط قبلاً به وسیله کمیته بستر دریا مورد بحث و بررسی قرار گرفته بود. به هر حال چنین موافقتنامه‌ای در رابطه با یک معاهده در حکم قانون، غیر معمول بود. برغم مشکلات فزاینده سندی پیچیده و غامض که از پیش تنظیم یافته، (اجرای موقت) مناسبترین سازوکار برای تشویق کشورهای عمده صنعتی به شرکت در مراحل اولیه کار مقام [بین‌المللی]

*. Côte d'Ivoire.

۲۶. به پاورقی شماره ۱۹ رجوع شود.

27. UN Doc. A/AC. 138/88 (1973).

قبل از التزام آنان نسبت به «کنوانسیون» بود. چنین شیوه‌ای جهت محقق ساختن هدف جهان‌شمولی بودن آن نسبت به تعداد کثیری از دولتها تسری یافت.

یکصد و بیست و سه (۱۲۳) دولت تا ۲۹ ژوئیه ۱۹۹۵، از طریق پذیرش «قطعنامه»، امضای «موافقتنامه» و تصویب، الحاق یا جانشین‌شدن نسبت به «کنوانسیون» اجرای موقت موافقتنامه را پذیرفته بودند. ماده ۷ «موافقتنامه» - ضمن برشمردن گروههایی از دولتها که استحقاق اجرای موقت [موافقتنامه] را دارند - هیچ اشاره‌ای به چگونگی رضایت دولتهایی که التزام به «موافقتنامه» را اظهار می‌دارند، نمی‌کند. البته بهتر بود که تنظیم‌کنندگان پیش‌نویس، این گروه را نیز [در بین سایر گروهها] می‌گنجانند. به هر حال بدیهی است هیچ شکمی وجود ندارد که اگر دولتی رضایت خود را مبنی بر التزام به «موافقتنامه» اعلام کرده، ملتزم به کلیه مقررات آن می‌باشد. تفسیر خلاف این، به وجود حق شرط خواهد انجامید که به وسیله ماده ۳۰۹ «کنوانسیون» و با ارجاع بند ۲ ماده ۲ «موافقتنامه» به ماده ۳۰۹ ممنوع اعلام گردیده است. در اجلاس افتتاحیه مقام [بین‌المللی] در ۱۶ نوامبر ۱۹۹۴ از یکصد و سی و هفت (۱۳۷) کشور - اعم از اعضا در صورتی که طرف کنوانسیون بودند یا اعضای موقت در صورتی که استحقاق اجرای موقت موافقتنامه را داشتند - برای شرکت دعوت به عمل آمد.^{۲۸} در بخش سوم اولین اجلاس مقام [بین‌المللی] یکصد و چهل و سه (۱۴۳) عضو برای شرکت دعوت شدند.

چهار دسته از دولتها، استحقاق اجرای موقت «موافقتنامه» را به موجب بند ۱ ماده ۷ دارا هستند:

28. See LOS BULL., Special Issue No. IV, Nov. 1994, at 47.

اولین دسته شامل آن گروه از دولتهایی است که نسبت به پذیرش «قطعنامه» اعلام رضایت کردند. معذک، به علت آثار حقوقی مهمی مشابه آثار ناشی از تصویب یا الحاق که به همراه اجرای موقت وجود دارد، به دولتها اختیار داده شد تا از طریق اعلام کتبی به مقام امین [کنوانسیون] — مبنی بر این که مایل به اجرای موقت نبوده یا نسبت به چنین اجرایی تنها بر مبنای امضای بعدی یا اعلام کتبی اظهار رضایت خواهند کرد — از آن آثار اجتناب نمایند. کشورهای فرانسه، ژاپن، ایتالیا، لهستان و اتحادیه اروپا از شیوه اخیر تبعیت نمودند. امکان اعلام و اطلاع بعدی برای برآورده ساختن برخی شرایط قوانین اساسی کشورها مطرح گردید؛ بنابراین، رضایت دولتها به طور رسمی ابراز خواهد شد و نه صرفاً براساس پذیرش قطعنامه‌ای که برخی آن را به عنوان راه حقوقی مناسب برای اعتبار بخشیدن به «موافقتنامه» به رسمیت شناخته‌اند. شش کشور بلغارستان، ایران، اردن، رومانی، عربستان سعودی و اسلونی که تنها نسبت به پذیرش قطعنامه اعلام رضایت کردند، قبل از ۱۶ نوامبر ۱۹۹۴ به [مقام] امین [کنوانسیون] اعلام نمودند که آنها اجرای موقت «موافقتنامه» را نمی‌پذیرند. بیشتر کشورهای صنعتی نظیر بلژیک، فرانسه، آلمان، ایتالیا، ژاپن، انگلستان و ایالات متحده آمریکا رضایت خود را به پذیرش «موافقتنامه» که در روز بعد امضا کردند، اعلام داشتند.

دسته دوم شامل کشورهایی است که هیچ اثر حقوقی برای قطعنامه‌های مجمع عمومی قایل نیستند، در رأی‌گیری برای «قطعنامه» غایب بودند یا عضو سازمان ملل نبودند؛ آنها استحقاق اجرای موقت «موافقتنامه» را به وسیله امضای آن می‌یابند. تا تاریخ ۲۹ ژوئیه ۱۹۹۵، بورکینافاسو، موریتانی، سوازیلند و سویس این شیوه را انتخاب کرده بودند.

نتیجتاً آنها بر مبنای [اجرای] موقت، جزء اعضای مقام [بین‌المللی] شدند. برخی از دولتهایی که اعضای کنوانسیون هستند و خود به خود جزء اعضای مقام [بین‌المللی] می‌باشند، نظیر برزیل، کامرون، قبرس، مکزیک و اروگوئه، به [مقام] امین [کنوانسیون] اعلام نمودند که آنها مایل به عضویت موافقتنامه به شکل موقت نیستند. این وضعیت، ضعیف بودن ویژگی اعضای «کنوانسیون» را نشان می‌دهد که به نظر می‌رسد هیچ امتیاز خاصی را دربر ندارد: «مفهوم طرف [معاهده] به واسطه مفتوح بودن انجام مذاکرات برای همه دولتها و [نیز] حاکم بودن قاعده وفاق عام* کاملاً تضعیف شده است».^{۲۹}

قبول اجرای موقت یک معاهده بین‌المللی شبیه عمل تصویب است. از این رو، مقام وزارت امور خارجه یک کشور درگیر انعقاد یک موافقتنامه بین‌المللی می‌شود.^{۳۰} به علت این آثار مهم حقوقی، دبیرکل [سازمان ملل]، به عنوان [مقام] امین «موافقتنامه»، تصمیم گرفت که در قالب تذکر [مقام] امین در خصوص شرایط نهایی منتشره برای دولتها، نظر آنها را به شق‌های اول و دوم بند ۱ ماده ۷ جلب کند. کلیه دولتها، به شکل مطلوبی از آثاری که به همراه اجرای موقت «موافقتنامه» بود، آگاه شدند.^{۳۱}

دو اعلام [کتبی] که به امضای وزرای امور خارجه مربوط نرسیده بود، بایستی پس فرستاده می‌شد. به هر حال اعلامیهایی که از اجرای موقت امتناع می‌ورزیدند در هنگام امضا توسط نمایندگان هیأت‌های دائمی مأمور در سازمان ملل، پذیرفته شدند.

*. Consensus.

29. See Pulvenis, at 26. (به پاورقی شماره ۲۲ رجوع شود)

30. See Jonathan I. Charney, *U.S. Provisional Application of the 1994 Deep Seabed Agreement, in Law of the Sea Forum*, at 705. (به پاورقی شماره ۱۴ رجوع شود)

31. UN Doc. C.N.224. 1994 TREATIES-2 (depository notification).

❖ ۲۴۹ چارچوب اجرایی موافقتنامه ...

دسته سوم شامل دولتهایی می‌شود که یادداشتی مبنی بر اعلام رضایت برای اجرای موقت ارائه می‌دهند. [این] یادداشت ساده بازمانده فلسفه‌ای است که متن پیش‌نویس [موسوم به] کشتی‌نامه بر آن متکی است که به موجب آن پذیرش «قطعنامه» روشی اجرایی برای اعتبار بخشیدن به «موافقتنامه» می‌باشد. بعد از طرح [موضوع] امضا، یادداشت ساده [مذکور] برای سازگاری با رهیافت حقوقی‌تری که توسط «موافقتنامه» در نظر گرفته شده، باید حذف می‌شد. به هر حال، چنین امکانی دو بار مورد استفاده قرار گرفته است. مورد اول فدراسیون روسیه بود که از رأی دادن به «قطعنامه» امتناع ورزید و موافقتنامه را امضا نکرد ولی به وسیله یادداشتی که در تاریخ ۱۱ ژانویه ۱۹۹۵ دریافت شد اجرای موقت موافقتنامه را مطابق شق سوم بند ۱ ماده ۷ به [مقام] امین اطلاع داد. مورد دوم جزایر سلیمان* بود که از این شیوه استفاده کرد تا عدم شرکت خود را در رأی دادن به «قطعنامه» تصحیح کند. این کشور اشتباهاً به لحاظ نپرداختن سهمیه خود از بودجه سازمان ملل، از رأی دادن محروم شده بود. افزوده شدن فدراسیون روسیه و جزایر سلیمان به عنوان اعضای موقت، تعداد کل دولتها و نهادها را در مقام [بین‌المللی] به ۱۴۳ عضو رسانید. این عضویت برای فدراسیون روسیه به معنی جایگاهی تضمین شده در شورای مقام [بین‌المللی] نیز بود. تنها گروه چهارم از کشورها استحقاق می‌یابند که از طریق الحاق، «موافقتنامه» را به طور موقت اجرا کنند. این گروه از کشورها نه رضایت خود را مبنی بر پذیرش «موافقتنامه» اعلام کردند و نه آن را امضا نمودند. به طور معمول چنین شیوه‌ای بعد از انقضای زمان امضا انجام می‌پذیرد. جزایر کوک به موجب «موافقتنامه» از چنین امکانی استفاده کرد، زیرا

*. Solomon Islands.

به‌عنوان کشوری که عضو سازمان ملل نیست نمی‌توانست در پذیرش «قطعنامه» شرکت نماید.

اگرچه اجرای موقت در ماده ۷ مقرر نگردیده است اما، امکان استفاده از آن برای کشورهای که از طریق شرکت، تصویب یا الحاق به «کنوانسیون» به «موافقتنامه» ملتزم شده‌اند، وجود دارد. تفسیری مغایر با تفسیر فوق سبب تضعیف روح «موافقتنامه» - از حیث تشویق مشارکت کشورها به‌ویژه کشورهای صنعتی در مراحل اولیه کارکرد ارگانهای مقام [بین‌المللی] - خواهد بود.

با این وصف، استفاده از شیوه اجرای موقت «موافقتنامه»، مشکلاتی را از جهت سیاسی و حقوقی ایجاد کرده است. از لحاظ سیاسی، برخی از کشورهای عضو واهمه دارند که این راه‌حل مربوط به دوران گذار ممکن است اقدام کشورهای صنعتی را در روند ملتزم شدن به تأخیر اندازد. آنها صدور اعلامیه‌های «حسن نیت»^{*} را ترجیح می‌دهند.

از لحاظ حقوقی بعضی از قوانین اساسی کشورها، آنها را از ملتزم شدن به معاهداتی که بر مبنای [اجرای] موقت استوار هستند، باز می‌دارد. در ۱۶ نوامبر ۱۹۹۴ علاوه بر کشورهای که رضایت خود را مبنی بر قبول «قطعنامه» اعلام کرده اما، خطاب به مقام امین اعلام داشتند که «موافقتنامه» را به‌صورت موقت اجرا نمی‌کنند، از سوی کشورهای دیگری که «موافقتنامه» را امضا کرده بودند نیز یادداشتهای مشابهی به ثبت رسیده است. آنها شامل کشورهای دانمارک، ایرلند، مراکش، لهستان، پرتغال، اسپانیا، سوئد و همچنین تعداد کمی از طرفهای کنوانسیون شامل برزیل، کامرون، قبرس، مکزیک و اروگوئه بودند. عدم قبول گروه دوم از

*. bona fide.

کشورها (مبنی بر پذیرش موقتی) عواقب جدی تری به دنبال دارد، زیرا آنها همچنان به عنوان طرفهای کنوانسیون بدون تغییرات [انجام شده بموجب موافقتنامه] باقی می‌مانند و بنابراین به نظام بستر اعماق دریا مندرج در فصل یازدهم «کنوانسیون» ملتزم خواهند بود. این وضعیت که نظام حقوقی دوگانه‌ای را ایجاد می‌کند، مطمئناً هرگز در عمل انجام یافتنی نیست، زیرا کشورها با اعلام رضایت نسبت به پذیرش «موافقتنامه»، از جهت سیاسی قبول خود را نسبت به موافقتنامه نشان داده‌اند.

علاوه بر این برخی ناسازگاری‌های نگارشی بین قسمت‌های اجرایی «موافقتنامه» و ضمیمه آن وجود دارد. برای مثال ارتباط بین اجرای موقت آن گونه که در ماده ۷ بیان گردیده و عضویت موقت به موجب بند ۱۲ قسمت اول ضمیمه، به طور صریح مشخص نگردیده است. [پیش‌نویس موسوم به] «کشتی‌نامه» تنها عضویت موقت را مطرح نموده و قاعده‌ای کلی برای اجرای موقت ایجاد نکرده است. در تجدیدنظر انجام شده در نوامبر ۱۹۹۳، ماده ۷ بنا به دلایل حقوقی مطرح گردید تا رضایت کشورهایی را که نمی‌توانستند در خصوص قبول یک جنبه خاص، بدون بیانی روشن از قاعده کلی، التزام موقت را بپذیرند، جلب نماید.

کشورها یا نهادهایی که «موافقتنامه» برای آنها لازم‌الاجرا نیست به دو شرط ممکن است به طور موقت به عنوان اعضای مقام [بین‌المللی] به شرکت خود ادامه دهند. اول این که اگر «موافقتنامه» قبل از ۱۶ نوامبر ۱۹۹۶ لازم‌الاجرا گردد، این کشورها می‌توانند با اطلاع به مقام امین تا ۱۶ نوامبر ۱۹۹۶ یا تا زمانی که [موافقتنامه] به همراه «کنوانسیون» برای چنین اعضای لازم‌الاجرا می‌گردد به شرکتشان ادامه دهند. تنها شورای مقام

[بین‌المللی] مجاز به افزایش این مدت خواهد بود.* دوم این که اگر «موافقتنامه» بعد از ۱۵ نوامبر ۱۹۹۶ لازم‌الاجرا گردد،** «شورای» [مقام بین‌المللی] بنابه درخواست کشورهای مذکور می‌تواند عضویت موقت در مقام [بین‌المللی] را تا ۱۶ نوامبر ۱۹۹۸ و نه بیشتر به آنها اعطا نماید. به‌موجب بند ۳ ماده ۷ موافقتنامه، اگر آن پیش از ۱۶ نوامبر ۱۹۹۸ به‌موجب ماده ۶ لازم‌الاجرا نگردیده باشد، مهلت اجرای موقت [به هر حال] در ۱۶ نوامبر ۱۹۹۸ پایان خواهد یافت.

نکات پایانی

اگر اکثریت کشورهای صنعتی در چهار سال آینده، به عضویت «کنوانسیون» و «موافقتنامه» در نیایند،*** همزیستی نظامی دوگانه، تهدیدی واقعی را به دنبال خواهد داشت. در هر صورت مطابق با مقررات «موافقتنامه» رویه‌ای بوجود خواهد آمد که [اجرای] نظام مندرج در فصل یازدهم «کنوانسیون» را برای کشورها غیرممکن خواهد ساخت. بنابراین نتایج زیر قابل انتظار خواهد بود:

۱- موافقتنامه نظر کلیه کشورهای صنعتی را مبنی بر جلوگیری از اجرای کنوانسیون نظام بستر اعماق دریا، تأمین خواهد کرد.

*. بعد از نگارش این مقاله شورای مذکور تمدید مهلت عضویت تعدادی از اعضا را تأیید کرد. تعداد هشت دولت شامل بنگلادش، بلاروس، کانادا، قطر، سوئیس، اوکراین، امارات متحده عربی و ایالات متحده آمریکا که هنوز نه عضو «کنوانسیون» و نه عضو «موافقتنامه» بودند، جزء اعضای موقت مقام [بین‌المللی] تا ۱۶ نوامبر ۱۹۹۸ باقی ماندند - مترجم.

**. «موافقتنامه» در ۱۶ نوامبر ۱۹۹۶ لازم‌الاجرا گردید - مترجم.

***. همان‌گونه که پیشتر ذکر شد این مقاله در سال ۱۹۹۵ نگارش یافته و بنابراین نویسنده باتوجه به ضوابط و مقررات اجرایی کنوانسیون و موافقتنامه پیش‌بینی‌هایی را ارائه داده است - مترجم.

۲- نظام قابل اعمال برای سرمایه گذاران پیشگام که به طور مناسب و عملی در کمیسیون مقدماتی توسعه یافته بود در مقام [بین المللی] به توسعه خود ادامه خواهد داد؛

۳- بنابراین، نظام اخیر (دومی) از مشارکت دیگر کشورهای صنعتی متعلق به گروه سرمایه گذاران بالقوه نظیر ایالات متحده آمریکا که از طریق «موافقتنامه» به طور قانونی قادر به اکتشاف بستر اعماق دریا می شوند، سود خواهد جست.